

# ترجمه قرآن مجید



(الهدایة فی الفروع، تألیف علی المرغینانی، هندی، ۱۳۰۲ ق، ۱/ ۸۶) از قدما سیوطی و از معاصران محمد رشید رضا در تفسیرالمنار (۹/ ۳۱۳، ۳۱۹-۳۲۰) قائل به رجعت ابوحنیفه از حکم خود شده‌اند. گویا پیروان ابوحنیفه درگذشته و حال به این جواز عمل نکرده‌اند و همواره نماز را به عربی خوانده‌اند. قوی ترین حجت طرفداران ترجمه قرآن این است که خداوند می فرماید «لا یکلف الله نفساً الا وسعها» (بقره، ۲۸۵). با این وصف شافعی چنین حکم داده است که قرائت قرآن جز به عربی جایز نیست، زیرا قرآن به این زبان نازل شده و به زبان دیگر، و در ترجمه، دیگر قرآن نیست؛ و معجزه بودن قرآن منوط به عربی بودن آن است؛ و چون به زبان دیگر ترجمه شود، صفت اعجازش از بین می‌رود. ولی کسی که عاجز از قرائت به عربی باشد، باید در نماز به جای قرائت سوره‌های قرآن، تسبیح یا تهلیل بگوید (مقاله طیبی، پیشگفته، ص ۶۲۰-۶۲۱). جاحظ بر آن است که ترجمه شعر عربی ممکن نیست. زیرا چون حکمت عرب (شعر عربی) به غیر عربی برگردد، اعجاز و هنرش بر باد می‌رود. سپس می‌گوید که ترجمه قرآن از شعر هم دشوارتر و خطرات آن بزرگتر است (کتاب

مجمع اللغة العربیة بد مشق، المجلد الرابع و الخمسون، الجزء الثالث، شعبان ۱۳۹۹ هـ/ ۱۹۷۹ م، ص ۶۳۵-۶۶۰) طیبی با نقد تاریخی و اظهار اینکه در عهد رسول الله (ص) ایرانیها اسلام نیاورده بودند، تا چنین مشکلی برایشان پیش آید، این قول را رد می‌کند. استاد محمد حمیدالله که استدرکاتی بر مقاله طیبی در همان نشریه (المجلد الخامس و الخمسون، الجزء الاول، صفراالخیر ۱۴۰۰ هـ/ ۱۹۸۰ م، ص ۳۶۲-۳۶۵) نوشته است، نقد و جرح طیبی را در این مورد رد می‌کند و می‌گوید در روایت «بلاد فارس» نیامده است، بلکه «قوم من الفرس» آمده‌است و بین صحابه و بین بسیاری از ساکنان یمن و ایرانیان مسلمان بسیار بوده‌اند. ابوحنیفه نخستین فقه بزرگی است که به جواز قرائت قرآن به فارسی در نماز فتوا داده است، و بر مبنای رأی او بعضی از یارانش به جواز ترجمه قرآن در نماز به زبانهای دیگر از جمله ترکی، هندی، سرپانی و عبری رأی داده‌اند. ابویوسف و شیبانی معاصران ابوحنیفه با او مخالفت ورزیده و قرائت قرآن را به فارسی فقط برای کسی که عاجز از قرائت عربی باشد، تجویز کرده‌اند. بعضی از محققان نیز بر آن اند که ابوحنیفه بعدها از قول خود بازگشته است

در باره جواز ترجمه قرآن، قرنهای بین علما و فقهایی مذاهب اسلامی بحث و اختلاف بوده‌است. و چون اغلب فقهاء و ائمة اربعة اهل سنت (جز ابوحنیفه که قول اولش بر جواز بوده، سپس آن را موکول به ندانستن عربی کرد) حکم داده‌اند که خواندن فاتحه و سوره در نماز جز به عربی روا نیست، بعضی استنباط کرده‌اند که شاید اصولاً ترجمه قرآن به هیچ زبانی روا نیست. اما سابقه ترجمه قرآن بسیار کهن است و معروف است که سلمان فارسی «بسم الله الرحمن الرحیم» را به «به نام یزدان بخشاینده» ترجمه کرده بوده است (تاریخ قرآن، رامیار، ص ۶۵۳). در این زمینه قولی مهم وجود دارد. سرخسی در کتاب المبسوط (قاهره، ۱۳۲۲ ق، ۱/ ۳۷) می‌نویسد: «اهل فارس نامه‌ای به سلمان فارسی نوشتند که فاتحه را برای آنان به فارسی بنویسد، و نوشت، آنگاه آنان آنچه را که نوشته بود در نماز می‌خواندند، تا زبانشان نرم [و قادر به تلفظ عربی] شد.» و این امر را به نبی اکرم (ص) عرض کردند حضرت انکاری نفرمودند. عبداللطیف طیبی (۱۹۱۰-۱۹۸۱) مقاله پربراری تحت عنوان «احکام ترجمه القرآن الکریم و تاریخها» نوشته است (مجله

الحيوان، تحقيق عبدالسلام محمد هارون، قاهره، ۱۳۵۳ ق، ۱/ ۷۲ - ۷۷). اخوان الصفا هم قائل به ترجمه ناپذیری قرآن‌اند (رسائل اخوان الصفا، قاهره، ۱۳۲۷ ق / ۱۹۲۸ م، ۳ / ۱۵۳، ۱۷۱، ۲۵۲). در عصر جدید محمد رشید رضا قائل به غیرممکن بودن ترجمه دقیق قرآن به هر زبان دیگر، و لزوم جهد بلیغ هر مسلمان برای حفظ بعضی سوره‌های قرآن برای قرائت در نماز است، ولی جز در مورد نماز، ترجمه آزاد یا تفسیری با نقل به معنی را پس اشکال می‌داند. و شیخ مصطفی المرغنی، شیخ جامع الازهر و صاحب تفسیر معروف، بر وفق مذهب حنفی قرائت ترجمه حرف به حرف قرآن را به زبانهای دیگر در نماز جایز می‌داند؛ و ترجمه قرآن را به زبانهای دیگر مفید می‌شمرد و نشوین می‌کند. چنانکه به پیکتال که اصلاً انگلیسی بود و اسلام آورده بود، در ترجمه قرآنش به انگلیسی مدد می‌رساند. از سوی دیگر علمای شیعه، جز در مورد نماز، همواره طرفدار جواز و لزوم ترجمه قرآن بوده‌اند (از جمله نگاه کنید به رای و نظر صریح آیت‌الله خوئی در البیان، تعلیقه ۵). ترجمه قرآن به فارسی گویا (قطع نظر از یک ترجمه کهن سندی که محفوظ نمانده است) قدیمیترین و نخستین ترجمه قرآن به زبان دیگر است و بیش از هزارسال پیشینه دارد. تاکنون قدیمیترین ترجمه فارسی، ترجمه تفسیر طبری دانسته می‌شد، که در اواسط قرن چهارم هجری در ماوراءالنهر، به دستور منصور بن نوح سامانی، و تجویز علمای عصر، صورت گرفته است. اما ترجمه معروف به قرآن قدس که در سالهای اخیر به کوشش دکتر علی روافی انتشار یافته است، از آن هم کهن تر می‌نماید. ترجمه قرآن موزه پارس، که تصحیح و طبع آن نیز به کوشش دکتر روافی انجام گرفته، ترجمه‌ای ناقص اما بسیار ارزشمند، از حدوداً اوایل قرن پنجم هجری است. «ترجمه قرآن مورخ ۵۵۶ ق» به کوشش دکتر محمدجعفر یاحقی انتشار یافته است. محمد آصف فکرت شهرست توصیفی نسخ خطی قرآنها را مترجم (ترجمه‌دار) کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی را که جلد اول آن معرفی ۳۲۶ ترجمه را دربر دارد، منتشر کرده است. ترجمه‌های کهن دیگر که در دل تفاسیر آمده است عبارتند از: ترجمه مندرج در تفسیر تاج التواجم فی تفسیر القرآن للاعاجم، تألیف عبدالالدین طاهر اسفرائینی (م ۲۷۱ ق) مشهور به شهفور که به



کوشش آقای نجیب مایل هروی نزدیک به انتشار است؛ ترجمه مندرج در تفسیر قمرانس مجهول المؤلف، مشهور به «تفسیر کمبریج» (به خاطر آنکه تنها نسخه ناقص بازمی‌ماند از آن در کتابخانه دانشگاه کمبریج محفوظ بوده است) که به کوشش دکتر جلال متینی در ۲ مجلد انتشار یافته است. ترجمه تفسیر سورآبادی (ابوبکر عتیق نیشابوری) که ترجمه آیات و قصص قرآنی آن به کوشش استاد بحیثی مهدوی و مهدی یبانی در دو مجلد انتشار یافته است، و کل تفسیر به همت آقای علی اکبر سعیدی شیرجانی در دست طبع است. گفتنی است که سورآبادی در سال ۲۹۲ ق درگذشته است. ترجمه قابل توجه و مهم دیگری که باز در دل تفسیر محفوظ مانده است، ترجمه مندرج در تفسیر نوبت اول کشف الاستوار و عده الاویار، اثر ابوالفضل میبدی (م ۵۲۰ ق) است که بر مبنای گسترش امالی تفسیری خواجه عبدالله انصاری تدوین شده است. پس از آن، ترجمه مندرج در تفسیر ابوالفتوح رازی شایان ذکر است. پس از ترجمه‌های مندرج در تفسیر منهج الصادقین ملافتح الله شافری و تفسیر که جلال‌الاحزان [تفسیر گازر] اهمیت طراز اولی ندارند، به یک ترجمه بسیار شیوا می‌رسیم: ترجمه شاه ولی‌الله دهلوی (م ۱۱۷۶ یا ۱۱۷۹

ق) که بارها در هند و پاکستان به طبع رسیده است. از سراسر عصر قاجار یک ترجمه قابل توجه باقی مانده است که به قلم محمدطاهر مستوفی شیبانی معروف به بصیرالملک است که از رجال فرهنگی و درباریان ناصرالدین شاه بوده است. این ترجمه بارها، از جمله در سال ۱۳۲۲ ش از سوی انتشارات محمدحسن علمی به طبع رسیده است. در عصر جدید نخستین ترجمه مهم قرآن مجید ترجمه عبدالحسین آینی معروف به آواره (۱۲۸۸ - ۱۳۷۱ ق) است که در جوانی از سلک روحانی به درآمد و به بهانه گرایش یافت و کتاب الکوکیب الدریه فی مآثر البهائیه را در تاریخ بهائیت نوشت و از مبلغان طراز اول این فرقه گردید. سپس از ناراستیهای که دید سر خسورد و از بهائیت تبری جست و کتاب کشف الحیل (۳ جلد، ۱۳۱۰ ش) را در رد بهائیت و بیان پشیمانی خود نوشت. ترجمه او از قرآن مجید کتاب نسی یا قرآن فارسی نام دارد (۳ جلد، یزد، ۱۳۲۲ - ۱۳۲۶ ش). (درباره او دایرةالمعارف نشیع، ۱/ ۲۲۱ - ۲۲۲) بهترین و شاید آخرین ترجمه تحت‌اللفظی قرآن در عصر جدید، ترجمه محمداکظم معزی است که بارها تجدید چاپ یافته است. مرحوم محیی‌الدین مهدی‌الهی قمشه‌ای (۱۳۱۸ - ۱۳۹۳ ق / ۱۳۵۲ ش) از عرفا و شعرا و علمای ذوقنون معاصر در حدود سالهای ۱۳۲۰ ش ترجمه خوشخوانی از قرآن کریم به دست داد. به تحقیق هیچ ترجمه‌ای از ترجمه‌های جدید قرآن این چنین با استقبال عظیم مردم مواجه نشده که بارها به تجدید چاپ رسیده است. حسن و عیب این ترجمه یک چیز و آن افزودن و مزج تفسیر با ترجمه است. با وجود این اقبال بی سابقه مردم، قرآن پژوهان این ترجمه را آکنده از اغلاط علمی می‌دانند. (برای تفصیل، نقد بسیار مفصل بهاء‌الدین خرمشاهی بر این ترجمه در کتاب قرآن پژوهی). در عصر جدید که اصولاً صناعت ترجمه بهبود کلی یافته است، ترجمه تحت‌اللفظی قرآن مجید نیز موقوف شده است. ترجمه مرحوم ابوالقاسم پاینده (۱۲۹۰ - ۱۳۶۳ ش) نویسنده و مترجم پرکاری که ترجمه تاریخ طبری یکی از کارهای اوست، ترجمه‌ای متین و استوار است ولی خالی از اغلاط نیست. علامه محمد فرزاد نقد مفصل و عالمانه‌ای بر آن نوشته است. نا پیش از انقلاب اسلامی ایران (۱۳۵۷ ش) دو ترجمه قابل توجه از قرآن نیز داریم: ترجمه حکمت آل‌آقا، و

ترجمه زین العابدین ره‌ما (همراه با توضیحات در پای صفحه، در ۲ مجلد). پس از انقلاب اسلامی توجه به ترجمه قرآن در ایران بالا گرفته است و چندین ترجمه انتشار یافته است، از جمله ترجمه جلال‌الدین فارسی؛ ترجمه محمد باقر بهبودی به عنوان معانی القرآن که ارزش علمی آن نازل است، ولی از نظر محتوا بر تفسیر همانند ترجمه قمشاهی است (نقد بهاء‌الدین خرمشاهی بر این دو ترجمه در کتاب قرآن پژوهی؛ همچنین نقد محققانه حسین استاد ولی بر ترجمه بهبودی در مجله مترجم ویژه ترجمه قرآن، ۱۳۷۲ ش) همچنین ترجمه ابوالقاسم امامی به ترجمه محمد خواجوی (نقد بهاء‌الدین خرمشاهی در کتاب پیشگفته). ترجمه‌ای که بیشتر از سایر ترجمه‌های جدید از استقبال مردم برخوردار بوده است. ترجمه شیوای عبدالمحمد آینی است (نقد خرمشاهی در کتاب پیشگفته). چند ترجمه دیگر نیز به قلم سید جلال‌الدین مسجنوی، علی‌اصغر حبلی، محمد مهدی فولادوند، محمد حسین روحانی و بهاء‌الدین خرمشاهی (همراه با توضیحات و واژه‌نامه عربی - فارسی) در مراحل مختلف طبع و نزدیک به انتشار است.

طبق آمار منتشر شده در کتابشناسی جهانی ترجمه‌های قرآن مجید (به انگلیسی، ویراسته اکمل‌الدین احسان ازغلی، طبع استانبول) که کتابشناسی ترجمه‌های قرآن را به هر زبان، از سال ۱۵۱۵ م تا ۱۹۸۰ م دربر دارد، قرآن مجید از آغاز تا زمان تألیف این کتابشناسی (۱۹۸۰ م) به ۶۵ زبان ترجمه شده است. روی هم رفته مشخصات کتابشناختی ۲۷۶۲ ترجمه و تفسیر قرآن (به اعتبار اینکه دربردارنده ترجمه است) در این اثر آمده است. قدیمترین ترجمه قرآن به زبانهای اروپایی، ترجمه انگلیسی ناقصی است که در سال ۱۵۱۵ م منتشر شده، ولی نخستین ترجمه کامل به زبان لاتین است که در سال ۱۵۲۳ م انتشار یافته است. بهترین ترجمه‌های فرانسوی قرآن ترجمه گازیمیرسکی و ترجمه بلاشر است. بهترین ترجمه‌های آلمانی قرآن ترجمه هسینگ، و اخیراً ترجمه همراه با توضیحات و واژه‌نامه (کنکور دانش) اثر رودی پارت است. در دایرةالمعارف اسلام (در پایان مقاله «قرآن») از هشت ترجمه قرآن به روسی یاد شده است. آخرین و بهترین ترجمه قرآن به روسی که در مقاله مزبور به آن اشاره شده است،



ترجمه اسلامشاهن شهر روسی کراچفسکی است (۱۹۶۳ م). نظر به اهمیت بیشتر زبان انگلیسی، در اینجا به ترجمه‌های انگلیسی قرآن مبسوط تر می‌پردازیم. ذیلاً ۳۵ ترجمه کامل قرآن مسجد را که به قلم مسلمانان و نیز غیرمسلمانان به انگلیسی درآمده است، با اشاره‌ای کوتاه به هر یک، یاد می‌کنیم.

الف) ترجمه انگلیسی مسلمانان از قرآن: (۱) ترجمه محمد ابوالحکیم خان (پایتالا، ۱۹۰۵ م، ترجمه‌ای تحت‌اللفظی و دارای تمایلات قادیانی است). (۲) میرزا حیرت دهلوی (دهلی، ۱۹۱۲ م؛ نثر ترجمه ضعیف است). (۳) ابوالفضل مستیراز (الله‌آباد، ۱۹۱۲ م، همراه با اندکی یادداشت). (۴) محمد مارمدوک ویلیام پیکتال (لندن، ۱۹۳۰ م؛ دارای نثر فاخر و سبک کتاب مقدس است. این ترجمه تا سال ۱۹۸۰ م، ۲۴ بار به طبع رسیده است. از بهترین ترجمه‌های انگلیسی قرآن است). (۵) عبدالله یوسف علی (لاهور، ۱۹۳۲-۱۹۳۷). این ترجمه تا سال ۱۹۸۸ م، ۳۵ بار به چاپ رسیده است؛ دارای

یادداشتهای توضیحی بسیار در پای صفحات. از بهترین ترجمه‌های قرآن به انگلیسی. (۶) عبدالمجید دریا بادی (لاهور، ۱۹۲۱-۱۹۵۷ م، همراه با یادداشت. ترجمه‌ای است دقیق با نثر انگلیسی خوب). (۷) علی احمدخان جولندری (لاهور، ۱۹۶۲ م؛ ترجمه‌ای ضعیف و دارای اشتباهات). (۸) میر احمدعلی (کراچی، ۱۹۶۲؛ همراه با یادداشتهای بسیار از نظرگاه شیعه امامیه، با بسحنی در رد نهمت تحریف قرآن). (۹) عبدالرحمن طارق و زین‌الدین گیلانی (لاهور، ۱۹۶۶ م، بدون متن قرآن، اثری متوسط). (۱۰) سیدعبداللطیف (حیدرآباد، ۱۹۶۹ م، بدون متن قرآن، و بدون یادداشت، اثری متوسط). (۱۱) میرهاشم علی (توکیو، ۱۹۷۴ م همراه با تقسیمات جدید و داخلی سوره‌ها، با نثر خوب). (۱۲) نسفی‌الدین هلالی و محمدمحسن خان (شیکاگو، ۱۹۷۷ م. با توضیحاتی برگرفته از تفسیر طبری و ابن‌کثیر. دارای گرایشهای سلفی). (۱۳) مسعوداحمد مفسر (لندن، ۱۹۷۹ م. ترجمه‌ای است تفسیرآمیز و دارای آراء غریب در تفسیر). (۱۴) محمداسد (جیل طارق، ۱۹۸۰ م. مترجم از یهودیت به اسلام درآمده است و بعضی مسلمات قرآنی از جمله افتادن ابراهیم در آتش و سخن گفتن عیسی در مهد را منکر است و به نحو دیگر ترجمه و تفسیر می‌کند. همراه با یادداشتهای توضیحی و تفسیری و چند مقاله ضمیمه). (۱۵) محمودی (زید، بیروت، ۱۹۸۰ م؛ مبتنی بر ترجمه ن. ج. داود از قرآن، و گاه اشتباهات ترجمه او را تکرار می‌کند). (۱۶) شیخ محمد سرور (الم هورست، ۱۹۸۱ م ترجمه‌ای شیوا و روشن، بدون یادداشت). (۱۷) م. م. شاکر (نیوپورک، ۱۹۸۲ م. به میزان نمود درصد اقتباس و انتحال از ترجمه محمدعلی لاهوری از قرآن است، و در فهرست موضوعی‌اش مدخلهایی از معتقدات شیعه مانند امامت، شهادت حسین بن علی (ع)، خمس، و غیره وارد شده، حال آنکه ترجمه اصولاً فاقد یادداشتهای توضیحی است). (۱۸) احمدعلی (کراچی، ۱۹۸۲ م. آراء اصالت عقلی غریب و شاذی درباره جهنم و سنگباران لشکر حشه و نظایر آن دارد که در ترجمه‌اش منعکس است). (۱۹) ت. ب. اروینگ (درمونت، ۱۹۸۵ م؛ نخستین ترجمه قرآن به انگلیسی آمریکایی. نه متن قرآن را به همراه دارد و نه یادداشتهای توضیحی. درباره این ترجمه، مقاله بهاء‌الدین خرمشاهی در کتاب سیر

لَقَوْلَانِهَا اِقْلَامًا سَلَامًا وَ  
 لَعْنَابِ الْمِيمِ مَا اصْحَابُ الْمِيمِ فِي سِدِّكَ  
 مَخْمُومٌ وَطَلْعُ مَنْصُومٍ وَظَامِدٌ  
 وَمَا مَلِكٌ وَفَاهَةٌ لَمَطُوعَةٌ  
 وَلَا مَضْمُوعَةٌ وَفَرْشُ فَرْعَةٍ اِنَّا اَنْتَا



این کلمات در تفسیر قرآن کریم  
 در کتاب تفسیر المیزان ج ۱۰ ص ۱۰۰  
 ذکر شده است. این کلمات در  
 تفسیر قرآن کریم در تفسیر  
 المیزان ج ۱۰ ص ۱۰۰ ذکر شده است.

پیر (اسین آباد، ۱۹۶۰ م. این ترجمه هم دارای گرایشهای قادیانی است.) (۲۶) خادم رحمان نسوری (شیلونگ، ۱۹۶۲ م. دارای تسبیحات قادیانی و صوفیانه.) (۲۷) ملک غلام فرید (پوهه، ۱۹۶۹ م. این ترجمه همراه تفسیری است که مبتنی بر ترجمه اردوی میرزا بشیرالدین محمود احمد است. دارای گرایشهای قادیانی است.) (۲۸) ظفرالله خان (لندن، ۱۹۷۰ م. از ترجمه‌های قابل توجه قادیانیه است که همچون سایر مترجمان قادیانی، خانمیت نبوت پیامبر اسلام (ص) را قبول ندارد.) (۲۹) الکساندر رحمن (لندن، ۱۶۲۹ م. این ترجمه تا سال ۱۹۸۸ م. ۸ بار به طبع رسیده است.) (۳۰) جورج سیل (لندن، ۱۷۳۲ م. در سال ۱۹۷۵ م. سیدو نیست و سومین طبع آن انتشار یافته شامل مباحثی درباره سیره و قرآن است.) (۳۱) ج. م. رادول (لندن، ۱۸۶۱ م. سوره‌ها را به ترتیب سنوی (به ترتیب نزول) مرتب کرده است. پیامبر (ص) را مؤلف قرآن می‌داند. تا سال ۱۹۸۰ م. ۳۲ بار تجدید چاپ یافته است. در مراحل جزو ترجمه‌های خوب قرآن به شمار می‌آید.) (۳۲) ه. د. پامر (لندن، ۱۸۸۰ م. تا سال ۱۹۸۰ م. ۱۵ بار به طبع رسیده است.) (۳۳) ریچارد بل (لندن، ۱۹۳۷ م. قائل به تقطیع هر گروه از آیات بر وفق یک توبت وحی است. و مقدمه مفصلی در تاریخ قرآن و ترتیب توالی آیات قرآن نوشته است که به صورت مجلدی مستقل همراه این ترجمه و سپس جدا از آن با تهذیب و تنقیح موتگمری وات منتشر شده است.) (۳۴) آرتور جان آبربی (لندن، ۱۹۵۵ م. تا سال ۱۹۸۸ م. ۱۲ بار تجدید چاپ یافته است. قائل یادداشت‌های توضیحی. اما دارای مقدمه‌ای ارزشمند در باب اهمیت سبک قرآن است. این ترجمه در مجموع به عنوان بهترین ترجمه قرآن به قلم یک غیرمسلمان، شناخته شده است.) (۳۵) ن. ج. داود (لندن، ۱۹۵۶ م. تا سال ۱۹۸۸ م. ۱۱ بار تجدید طبع یافته است. داود یک یهودی عراقی است. در جاهای اول، سوره‌ها را طبق نزول مرتب کرده بود، و نه متن قرآن را به همراه داشت و نه شماره‌های آیات را یاد کرده بود. این ترجمه طبع انتشارات معروف پنگوین است و در جاهای اخیر نظم و ترتیب آن را بر وفق قرآن رسمی جهان اسلام درآورده‌اند. منبع معرفی ترجمه‌های سنی و پنج گانه انگلیسی قرآن، مقاله «کنش‌شناسی توصیفی ترجمه‌های انگلیسی قرآن کریم» [به انگلیسی] نوشته آر. فلدوایس. در نشریه همپدر اسلامیکوس، دوره ۱۱، شماره ۴، زمستان ۱۹۸۸ م است.

بسیار سلوک، و دین پژوهی.) (۲۰) م. م. خطیب (لندن، ۱۹۸۶ م. ترجمه‌ای خوشخوان با نثری پاکیزه و بدون گرایش به نثر کتاب مقدس، به نحوی که در ترجمه پیکتال، یوسف علی، و دریا بادی دیده می‌شود. شامل مقدمه‌ای درباره اسلام و سیره نبوی و یادداشت‌های توضیحی دارای محدودی بیدقتی در ترجمه بعضی آیات.) (۲۱) م. فاطمی (لاهور، بدون تاریخ).  
 ب) ترجمه انگلیسی غیرمسلمانها از قرآن:  
 (۲۲) محمدعلی (لاهور، ۱۹۱۷ م. تا سال ۱۹۸۸ م. بیش از ده بار به طبع رسیده است. دارای گرایش قادیانی از جمله در نفی خانمیت پیامبری حضرت رسول (ص)، و انکار بعضی معجزات متعکس در قرآن، زبان ترجمه هم پاک و پیراسته نیست.) (۲۳) غلام سرور (سنگاپور، ۱۹۸۰ م. تا سال ۱۹۸۸ م. ۸ بار چاپ شده است. دارای گرایشهای قادیانی. در مقدمه نقد درخشانی درباره ترجمه‌های قرآن به قلم سیل. رادول، پامر و محمدعلی دارد. متن قرآن و نیز یادداشت‌های توضیحی به همراه ندارد.) (۲۴) شیرعلی (لاهور، ۱۹۵۵ م. تا سال ۱۹۸۸ م. ۱۳ بار چاپ شده است. این ترجمه، ترجمه رسمی قادیانیه و آراء و عقاید آنان را در ترجمه خود بیش از دیگران راه داده است.) (۲۵) صلاح‌الدین